

راه‌های عزت و اقتدار نظام اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین روح‌الله شریعتی*

اشاره

نظام اسلامی، مانند هر نظام دیگر، دارای اهدافی است که همواره مورد نظر تأسیس‌کنندگان آن، اعم از رهبران و مردم، می‌باشد. از آنجا که اهداف یک نظام دینی، رنگ و بوی الهی دارد، پیوسته با عزت و اقتدار نیز عجین شده است. عزت، از حالت‌های پسندیده نفسانی است که آیات و روایات بسیاری در مدح آن وارد شده و مؤمنان را به داشتن این حالت توصیه کرده است. در مقابل، ذلت نیز از حالات ناپسند نفسانی است. این دو حالت و صفات منشعب از آنها، اختصاصی به فرد مشخصی ندارد؛ بلکه جمعیت‌های به‌هم‌پیوسته مانند: گروه‌ها، ملت‌ها، جوامع و امت‌ها نیز می‌توانند دارای آن دو حالت بوده، به تبع حالت آنها، از صفاتی چند برخوردار باشند؛ مانند برخی صفات که به ملت‌ها و یا اهالی یک شهر نسبت داده می‌شود؛ مثلاً: قناعت، استقامت، بزرگواری، بی‌نیازی و تواضع، در پرتو عزت ایجاد می‌شود و در مقابل، صفاتی مانند: ترس، طمع و خساست، در نتیجه ذلت به وجود می‌آید. پس، از آنجا که از این دو

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

حالت، صفات پسندیده و ناپسندی به وجود می‌آید، می‌تواند فرد یا جامعه و نظامی را به سعادت و یا شقاوت بکشاند. نوشتار حاضر، به بیان عواملی می‌پردازد که سبب عزت یا ذلت افراد و جامعه می‌شود.

مفهوم‌شناسی

در کتب لغت، «عزت» به معنای شکست‌ناپذیری، در مقابل «ذلت» آمده است. راغب در مفردات خود می‌نویسد: «عزت، حالتی است که انسان را از مغلوب‌شدن و شکست‌خوردن باز می‌دارد. زمین‌عزاز، یعنی زمین محکم و سفت.^۱ مجمع‌البحرین نیز عزت را قوت و غلبه معنا کرده است.^۲

بنابراین، عزت کشور و یا نظام، به معنای شکست‌ناپذیری و قوت آن است. اقتدار، از ریشه قدر است و قدرت، همان توان‌مندی است. در واقع، به حالتی که انسان به واسطه آن می‌تواند عملی را انجام دهد، قدرت گویند. قدرت الهی، به معنای نفی عجز از ساحت پروردگار است و صفت مقتدر که درباره خداوند به کار می‌رود، به معنای «فَعَال ما یشاء» است. این صفت در انسان، برای زمانی است که قدرت کسب کرده است.^۳

اقتدار نظام، قدرت‌داشتن و ناتوان نبودن آن در صحنه بین‌المللی در برابر دیگران و داخلی برای اداره کشور و دفاع از خواسته‌های حاکمیت است؛ یعنی به واسطه قدرتی که نظام اسلامی در صحنه بین‌المللی در عرصه‌های مختلف علمی، اقتصادی، نظامی و یا سیاسی از خود نشان می‌دهد، در نگاه نظام‌ها و مردم دیگر کشورها، باعظمت و شکست‌ناپذیر جلوه کند و بیگانه جرئت سلطه بر آن را به خود ندهد. همچنین، در دید مردم آن کشور نیز بزرگی و عظمت نظام شکل گیرد و در نتیجه، مردم و مسئولان با قدرت از نظام دفاع می‌کنند. عزت فردی نیز برای افراد، نفسی قوی و شاد همراه با اطمینان و آرامش می‌سازد که در چشم دیگران باعظمت جلوه کند.

دو نکته مهم

نکته اول: عزت، از حالات و صفاتی است که هر انسانی به طور طبیعی به آن گرایش دارد. انسان

۱. راغب اصفهانی، مفردات، ذیل کلمه «عزت».

۲. طریحی، مجمع‌البحرین، ج ۴، ص ۲۶.

۳. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۶۵۸.

فطرتاً آزادگی را دوست دارد و نمی‌خواهد کسی بر او چیره شود. دوست دارد آزادانه بگوید و عمل کند و اراده و سلطه‌اش را بر همه حرکات و سکناتش اعمال نماید. مردم و حاکمان هر نظام نیز مایل‌اند از خارج نظام کسی بر آنان مسلط نباشد. به علاوه، انسان‌ها دوست دارند ضمن سلطه بر خود، بر آنچه به آنان منتسب است نیز سلطه داشته باشند و فرد دیگری در آن دخالت نکند. در همین راستا، گروه‌ها، امت‌ها، ملت‌ها و حاکمیت‌ها به طور طبیعی دوست دارند اداره امور کشورشان به اختیار خودشان بوده، قدرتی از بیرون بر ایشان مسلط نباشد؛ البته روشن است که قاعده اهم و مهم به‌عنوان یک قاعده عقلی، در این گونه موارد، حاکم است. چه بسا لازم است برای مصلحت بالاتری، موقتاً از عزت خود یا کشور گذشت. حاکمان باید بر اساس عقل جمعی و بر پایه مصلحت تصمیم بگیرند که موضوعی را بپذیرند یا نپذیرند. شرع نیز عزت را بر مؤمن و حاکمیت مؤمنان لازم می‌داند. شارع مقدس حکم کرده که مؤمن نباید تن به ذلت دهد: «إِنَّ اللَّهَ فَوْضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَلَمْ يَفْوُضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا؛^۱ خداوند همه امور مؤمن را به خود او واگذار کرده است؛ ولی این اختیار را به او نداده که ذلیل شود.» در مورد نظام اسلامی نیز چنین است؛ یعنی بر حاکمان و مردم لازم است با رفتار و گفتار خویش، عزت نظام را حفظ کرده، در اموری که عزت کشور و نظام اسلامی در معرض آسیب قرار می‌گیرد، به دشمن اجازه ورود ندهند.

نکته دوم: عواملی که در فزونی یا نقصان عزت و ذلت دخیل‌اند، عبارت‌اند از:

اول: بزرگی فرد و عظمت نظام؛ به این معنا که گاه بزرگی فرد، عمل را بزرگ جلوه می‌دهد؛ مانند آنکه رهبر و یا مسئولان کشوری، در برابر بیگانه عزت و یا ذلت به خرج دهند، یا نظامی که در چشم افراد بزرگ جلوه کرده، امری را بپذیرد که ملتی از آن احساس حقارت یا بزرگی کنند.

دوم: بزرگی عمل. چه بسا عمل فرد یا نهادی چنان بزرگ است که موجب عزت یا ذلت یک ملت و حتی عزت یا ذلت بشریت گردد؛ مثل برنده‌شدن یک وزنه‌بردار در مسابقات المپیک یا پیروزی در جنگ که باعث عزت ملتی می‌گردد.

سوم: انگیزه فرد یا حاکمان. هرچه انگیزه عمل متعالی‌تر باشد، عمل بزرگ‌تر است؛ چه اینکه ممکن است هدف، منفعت فرد، خانواده و قوم خود باشد و یا عظمت ملت یا امتی باشد و بالاتر

۱. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۷۹.

از همه، انگیزه الهی در میان باشد.

چهارم: هرچه دایره وسعت افراد ذی نفع در عزت یا خسارت دیده در ذلت، زیادتر باشد، عزت یا ذلت، بزرگتر جلوه می کند. مسلماً عملی که همه انسان‌ها بر آن افتخار کنند، با عملی که تنها خانواده‌ای با آن عزت یابد، متفاوت است. انسان‌هایی که منفعت جامعه را بر منفعت خویش ترجیح داده، آزادی خویش را به خطر می اندازند، رنج زندان و اسارت را تحمل می کنند تا جامعه‌ای از اسارت ظالم به درآید؛ زیرا هدفشان، عزت جامعه است. این افراد، دایره وجودی خویش را گسترش داده، رنج و آسایش یا عزت و ذلت جامعه را رنج و آسایش یا عزت و ذلت خود می دانند. از این رو، خود را فدا می کنند تا مردم کشور یا امتی به عزت و سربلندی دست یابند.

روشن است، اگر در موردی هر چهار عامل (عمل، عامل، هدف و مورد عزت) جمع باشند، درجه عزت بسیار بالاست؛ مانند عزتی که امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به بشریت داد و همه انسان‌ها با وجود چنین افرادی بر خود می بالند. آن حضرت همه آنچه را داشت، فدا کرد و هرگز زیر بار سلطه فرد فاسد و نابه‌کار نرفت. بدیهی است که هرچه شیئی با ارزش‌تر باشد، هزینه بیشتری می طلبد. چه بسا بهای عزتمندی ملتی، مال و آبرو و کوشش و استقامت طاقت‌فرسای فرزندان آن کشور و صرف سرمایه‌های مادی و معنوی زیاد باشد؛ مانند دفاع مقدس که از رهگذر آن، جوانان شجاعی به شهادت رسیدند تا امت و مردم ایران زیر سلطه ظالمی همچون صدام حسین نروند. به یقین اگر می خواهیم در آزمون تحریم‌های شرق و غرب عزتمند شویم، استقامت و صرف هزینه بسیاری لازم است؛ «فاستقم کما أمرت»^۱ پس، آن‌گونه که امر شدی، استقامت کن.»

راه‌های کسب عزت و اقتدار

عزت و اقتدار، راه‌ها و ملاک‌هایی دارد که در بسیاری از معیارها تفاوت چندانی بین عزت فرد، گروه و نظام سیاسی نیست؛ هرچند در مصداق متفاوت‌اند. بر همین اساس، بسیاری از آیات و روایاتی که معیار عزت را بیان کرده‌اند، به فرد اشاره دارند که البته بر نظام حکومتی نیز منطبق است.

۱. هود، آیه ۱۱۲.

برخی راه‌های کسب عزت و اقتدار، عبارت است از:

۱. ایمان به خدا

لازمه ایمان به خدا، پذیرش سلطه اوست. سلطه و مالکیت، عزت‌آور است. به قول علامه طباطبایی: «عزت، از لوازم مُلک است؛^۱ یعنی اگر فرد مالک چیزی نباشد، اختیار آن را ندارد و هرچه مالکیت فرد وسیع‌تر و مستحکم‌تر باشد، اختیار بیشتری دارد و در نتیجه، عزت و قدرتش بیشتر خواهد بود. پس، عزت مطلق، نزد خداست.»^۲

قرآن مجید در آیات متعددی عزت را از آن خداوند می‌داند: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً»^۳ کسی که عزت می‌خواهد، پس همه عزت نزد خداست. «خداوند بر هر چیزی سلطه و مالکیت دارد. فرد یا حکومتی که به دنبال عزت است، لازم است خود را به عزتمند مطلق که باری تعالی است، متصل کند. حاکمانی که قدرت را از او می‌دانند و ریاست چند روزه دنیا را وابسته به اراده و خواست او می‌دانند، به قدرت خداوندی باور داشته، به دنبال اجرای فرامین الهی در جامعه هستند. اگر حاکمان به حقوق افراد احترام گذاشته، از ظلم و فساد پرهیزند و با ظالم مبارزه کنند و از طرفی، مردم نیز با ایمان به خدا، به حق و عدالت تن دهند، نظامی مؤمنانه و عزتمند ایجاد می‌شود. البته ایمان مردم می‌تواند پشتوانه رفتار مؤمنانه مسئولان یا مانع رفتار غیر مؤمنانه آنان نیز باشد؛ همچنان‌که انقلاب یا جنگ، ایمان افراد را وادار به دفاع از کشور، دین و ناموس خود کرد و یا در نهضت تنباکو، فتوای مرجع تقلید زمان^۴، باعث شکست انگلیس شد و حتی در کاخ ناصرالدین شاه نیز قلیان‌ها شکسته شد.

۲. دوری از گناه و فساد

دوری از شر، فساد و گناه نیز موجب عزت است؛ چراکه هرچه فساد و گناه بیشتر شود، جامعه و نظام از منبع عزت که خداست، دورتر می‌شود. امام صادق علیه السلام فرموده: «مَنْ أَرَادَ عِزًّا بَلَاعْشِيرَةٍ

۱. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۳، ص ۱۳۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۹۵.

۳. فاطر، آیه ۱۰.

۴. میرزای شیرازی: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اليوم، استعمال توتون و تنباکو، بآی نحو کان، در حکم محاربه با امام زمان است.»

وَعِنِّي بِمَا مَالٍ وَهَيْبَةٍ بِإِسْلَامٍ فَلْيَنْتَقِلْ مِنْ ذَلِكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَتِهِ؛^۱ کسی که به دنبال عزت است، بدون قوم و خویش، و دنبال هیبت و ابهت است، بدون سلطان، پس باید از ذلت معصیت و گناه، به عزت طاعت الهی انتقال یابد.» و یا فرموده: «مَنْ بَرَّ مِنَ الشَّرِّ نَالَ الْعِزَّ؛^۲ هرکس از شر دوری جست، به عزت نایل می شود.»

بنابراین، اگر نظامی مرتکب گناه و بی عدالتی شود، عزت نمی یابد. اگر سوء استفاده و اختلاس مسئولان از بیت المال، رانت خواری، ربا در بانکها، پیشی گرفتن روابط بر ضوابط اداری، حکم و زندان ناحق، شکنجه و یا تهدید، رویه حکومت گردد و یا در صحنه بین المللی به حقوق سازمانها و نظامهای دیگر تعرض و اجحاف کند، بی تردید، از عزت فاصله گرفته است. اساساً استراتژی اقتدار به واسطه ایجاد رعب و وحشت در داخل و کشورگشایی یا تهدید کشورهای دیگر با سلاح کشتار جمعی، کاری بس اشتباه است و در بلندمدت عزت آور نمی باشد.

۳. حق طلبی

خضوع در برابر حق، گرچه در ظاهر به ضرر فرد باشد، عزت آور است. این، یک قاعده کلی برای فرد و اجتماع است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده: «التَّذَلُّ لِلْحَقِّ أَقْرَبُ إِلَى الْعِزِّ مِنَ التَّعَزُّزِ بِالْبَاطِلِ؛^۳ خضوع در برابر حق، نزدیک تر به عزت است تا رو آوردن به باطل برای عزت.» امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرموده: «مَا تَرَكَ الْحَقَّ عَزِيزٌ إِلَّا ذَلَّ وَلَا أَخَذَ بِهِ ذَلِيلٌ إِلَّا عَزَّ؛^۴ هیچ عزیزی حق را ترک نکرد، مگر آنکه ذلیل شد و هیچ ذلیلی به حق رو نیاورد، مگر آنکه عزیز شد.»

اگر نظام سیاسی با مخالفان خود به حق رفتار کند، ضعفها را بپذیرد، با تقدما سرکوب گرانه برخورد نکند و بر عهد خود، حتی با دشمن وفادار باشد، چنین نظامی حق طلب و عزت مدار است و در سطح بین المللی نیز دفاع از مظلومان و آزادی خواهان، کمک به نهضت های آزادی بخش، ایستادگی در برابر ظالم، عمل به قراردادهای بین المللی، نشانه حق طلبی یک نظام می باشد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در باره کمک به مظلومان فرموده: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَتَادَى يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ

۱. شیخ صدوق، الخصال، ص ۱۶۹.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۱۶.

۳. متقی هندی، کنز العمال، ش ۴۴۱۰۱.

۴. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴.

يُجِبُهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛^۱ کسی که صدای فردی که مسلمانان را به کمک می‌طلبد، بشنود و پاسخ ندهد، مسلمان نیست.»

۴. تکیه نکردن بر ظالمان

تکیه و تمایل به ستمگر و قبول سلطه او، حرام و موجب ذلت است؛ چه در رفتار فردی و اجتماعی و چه در رفتارهای بین‌المللی؛ چنان‌که قرآن کریم فرموده: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»؛^۲ و به ستمگران تمایل و اطمینان نداشته باشید و بر آنها تکیه نکنید که آتش، شما را در می‌یابد؛ درحالی‌که جز خدا کسی سرپرست شما نخواهد بود. سپس، یاری نمی‌شوید.»

تکیه بر ظالمان، موجب طغیان و در نتیجه، عذاب الهی و بی‌یاوری که همان ذلت است، می‌گردد.^۳ قرآن مجید در نهی از سلطه کفار بر مسلمانان می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛^۴ و خداوند سلطه‌ای به نفع کافران، بر مؤمنان قرار نداده است.» فقها بر اساس این آیه، قاعده نفی سبیل را طراحی کرده‌اند که طبق آن، هرگونه سلطه غیر مسلمانان بر مسلمانان، اعم از: سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی ممنوع است. شایان ذکر است که علاوه بر نهی الهی از قبول سلطه کفار، ستیز با ظالم نیز در حد امکان واجب است. البته باید توجه داشت که صرف ارتباطات سیاسی یا اقتصادی با دیگر کشورها، به وابستگی نمی‌انجامد و منعی ندارد.

۵. پیروی از خدا و رهبران دینی

نمود پیروی از خدا، استفاده از آموزه‌های ارزشمند قرآن مجید است که مایه عزت است. به گفته رهبر انقلاب: «ما باید استفاده کنیم از این مایه عزت و قدرت اسلامی و الهی. میل برگشت به اصول و مبانی اسلامی [است] که مایه عزت، پیشرفت و ترقی است... هر ملتی که به پای اسلام بایستد، خود او زنده، سرافراز و عزیز خواهد شد. ما به اسلام احتیاج داریم، برای اینکه از تحقیر

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲. هود، آیه ۱۱۳.

۳. سید عبدالاعلی سبزواری، مواهب الرحمن، ج ۵، ص ۲۲۱.

۴. نساء، آیه ۱۴۱.

قدرت‌های استکباری - تحقیر علمی، سیاسی و فرهنگی - نجات پیدا کنیم»^۱
 پیروی از پیامبران و رهبران دینی نیز مایه عزت است؛ زیرا یکی از اصول دعوت آنان، دعوت به
 بازیافتن عزت و کرامت انسانی معرفی شده است؛ «ملت‌های مظلوم، دنبال کرامت خودشان
 هستند؛ همان عزت و کرامتی که یکی از پایه‌های دعوت پیغمبر بود.»^۲ بازیابی عزت، تأثیر
 بسزایی در امتداد هویت و شرافت مسلمانان دارد و روحیه جهادی را ایجاد می‌کند. همین
 موضوع، باعث گردیده که بیداری اسلامی رنگ‌وبویی متفاوت بیابد؛ زیرا در فرهنگ اسلام،
 عزت، جز در سایه جهاد و شهادت میسر نمی‌شود.

خداوند به حضرت داود علیه السلام وحی نمود: «يَا دَاوُدُ إِنِّي... وَصَعْتُ الْعِزَّ فِي طَاعَتِي وَهُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي
 خِدْمَةِ السُّلْطَانِ، فَلَا يَجِدُونَهُ؛^۳ ای داود! من عزت را در طاعت خود قرار دادم؛ درحالی که مردم آن
 را در خدمت سلطان می‌یابند؛ اما آن را نمی‌یابند.» این حدیث، عزت در پرتو وابستگی به
 حاکمان غیرالهی را نفی کرده است؛ البته پیروی از حاکم عادل همچون ائمه و یا نایب آنان که در
 عصر غیبت فقیه جامع‌الشرایط است، نه تنها ذلت نیست که عین عزت است؛ چون اطاعت از
 خداست. امام سجاد علیه السلام فرموده: «طَاعَةُ وُلَاةِ الْأَمْرِ تَمَامُ الْعِزِّ؛^۴ پیروی حاکمان (ائمه)، تمام عزت
 است.» بنابراین، مدیریت درست فرد عالم و اسلام شناس، به عزت کشور اسلامی می‌انجامد.

۶. پیشرفت علمی

قاعده کلی دیگر، عزت در سایه علم است. اگر فرد، گروه و یا کشور از نظر علمی پیشرفت کند،
 موجب عزت و اقتدار خویش را فراهم ساخته است. در روایت آمده است: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ
 وَجَدَهُ صَالٍ بِهِ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيِّلٌ عَلَيْهِ؛^۵ علم، سلطان است. هرکس آن را یافت، به آن سلطه یابد
 و هرکس که به دنبال آن نبود، بر او سلطه یابند.» رهبر معظم انقلاب در توضیح این حدیث
 می‌گوید:

«یعنی علم، اقتدار است. علم، مساوی است با قدرت؛ هرکسی که علم پیدا کند، می‌تواند

۱. ر.ک: پایگاه اینترنتی آیت‌الله خامنه‌ای.

۲. همان.

۳. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۴۵۳.

۴. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۸۳.

۵. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۱۹.

فرمان‌روایی نماید؛ هر ملتی که عالم باشد، می‌تواند فرمان‌روایی کند؛ هر ملتی که دستش از علم تهی باشد، باید خود را آماده کند که دیگران بر او فرمان‌روایی کنند.»^۱ در روایت آمده است: «خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ؛ خیر دنیا و آخرت، با علم و دانایی است و شر دنیا و آخرت، با جهل است.»^۲

گفتنی است که علم مطلق، نزد خداست؛ «وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.»^۳ پس، عزت مطلق نیز نزد اوست. پیامبر خدا ﷺ مسلمانان را به علم‌آموزی، حتی با رفتن به کشور چین غیرمسلمان، تشویق می‌کرد و می‌فرمود: «كَلِمَةُ الْحِكْمَةِ ضَالَّةٌ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا؛ همانا دانش راستین، گمشده مؤمن است و هر جا آن را بیابد، خود به آن سزاوارتر است.» امام علی عليه السلام می‌فرماید: «الْحِكْمَةُ ضَالَّةٌ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُمَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ ضَالَّتَهُ فَلْيَأْخُذْهَا؛^۴ دانش، گمشده مؤمن است. پس، هر کدام که آن را یافتید، فرا گیرید.»

وجود چنین خصیصه‌ای در مؤمنان، زمینه بلندنظری مسلمانان در فراگیری علوم و معارف از غیرمسلمانان فراهم کرد^۵ و امروزه نیز رشد فناوری، به واسطه پیشرفت علم است. هرچه قدرت علمی کشور بالا رود و به فناوری برتری دست یابد، عزت و اقتدار کشورش بیشتر خواهد بود. اقتدار امروز کشور ایران، مرهون تلاش دانشمندانی است که در صحنه‌های مختلف، به‌ویژه هسته‌ای، حضور داشته‌اند و باعث شدند که ایران را از معدود کشورهای صاحب فناوری هسته‌ای دنیا به شمار آورده‌اند.

۷. پیشرفت اقتصادی

کشوری که در نیازهای ضروری خود به دیگران وابسته بوده، وارداتش به مراتب بیش از صادراتش باشد، عملاً در صحنه بین‌المللی ذلت را پذیرفته است. فارغ از اینکه صادرات مواد اولیه مانند نفت خام و معادن، خود خسارتی دیگر است؛ امام علی عليه السلام فرموده: «كُلُّ عَزِيزٍ دَاخِلٌ تَحْتَ الْقُدْرَةِ

۱. سخنرانی به تاریخ ۱۳۸۵/۱/۱؛ برگرفته از سایت رسمی ایشان.

۲. طبرسی، مشکوه الأنوار، ص ۲۳۹.

۳. بقره، آیه ۲۹.

۴. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۹.

۵. شیخ کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۶۷.

۶. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۴، ص ۳۹۴.

ذَلِيلٌ؛^۱ هر عزیزی که تحت فرمان دیگری باشد، ذلیل است.» فقر اقتصادی، قابل تحمل نیست و حاکمان و مردم را به قبول سلطه کفار می‌کشاند؛ «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا؛^۲ فقر، نزدیک است که فرد را به کفر بکشاند.»

پس، مسلماً یکی از عوامل عزت نظام اسلامی، پیشرفت اقتصادی است؛ اما در اینکه چگونه این پیشرفت حاصل می‌گردد، باید گفت مسئولان و مردم، هر دو در این باره نقش دارند. از یک سو، مسئولان باید امور مملکتی را خوب تدبیر و برنامه‌ریزی کنند؛ چنان‌که در روایت آمده است: «سُوءُ التَّدْبِيرِ مِفْتَاحُ الْفَقْرِ؛^۳ بدتدبیری، کلید فقر است.» و یا فرموده‌اند: «حُسْنُ التَّدْبِيرِ يُنْمِي قَلِيلَ الْمَالِ، وَسُوءُ التَّدْبِيرِ يُفْنِي كَثِيرَهُ؛^۴ تدبیر نیک، مال کم را رشد می‌دهد و بدتدبیری، مال زیاد را از بین می‌برد.» اینکه مسئولی خودرأی بوده، به متخصصان فرصت اقدام و عمل ندهد، نشانه سوء تدبیر اوست.

از سوی دیگر، مردم نیز وظیفه دارند در بحران‌های اقتصادی، از اسراف و تبذیر خودداری کنند و با قناعت و صرفه‌جویی مسئولان را حمایت کنند تا برای نیازهای اضافی دست نیاز پیش دیگران نبرند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْقَنَاعَةُ تُؤَدِّي إِلَى الْعِزِّ؛^۵ نتیجه قناعت، عزت است.» آن حضرت در بیانی دیگر فرموده: «التَّقَلُّلُ لَا التَّدَلُّ؛^۶ کم‌داشتن، بهتر از ذلت به‌خرج‌دادن است.» به علاوه، مردم باید کار و تلاش برای امرار معاش را همچون پیامبران الهی وظیفه خود بدانند؛ چراکه طلب حلال، نوعی عبادت است. امروزه، پیشرفت اقتصادی ایران باعث شده که با وجود تحریم‌های همه‌جانبه، مقام هجدهم را در دنیا داشته باشد و با اقتدار در مقابل سلطه سیاسی و اقتصادی اجانب بایستد. برخی معتقدند بر اساس محاسبات، در ۳۵ سال آینده، اقتصاد ایران با توجه به منابع اصلی اقتصادی در بخش کشاورزی، معادن نفت و گاز، ظرفیت‌های موجود در دریاها، بخش اقتصاد دانش‌بنیان و سایر صنایع، به صورت بالقوه این ظرفیت را دارد که در

۱. ابن‌شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۲۱۵.

۲. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۰۷، باب الحسد.

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ج ۴، ص ۱۳۲.

۴. آقا جمال خوانساری، شرح غرر الحکم، ج ۳، ص ۳۸۷، ش ۴۸۳۳.

۵. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ص ۶۰، ش ۱۱۶۶.

۶. همان، ص ۲۶۳.

جایگاه دوم جهانی باشد. محاسبات اولیه نشان می‌دهد که با توجه به منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی، جمعیت و میزان نخبگانی که در کشور وجود دارند، توانایی تولید تا ۴۵ هزار میلیارد دلار نیز برایمان وجود دارد.^۱

۸. توان نظامی بالا

بی‌شک، توان نظامی بالا، موجب اقتدار کشور است. قرآن مسلمانان را به تقویت فنون و قدرت نظامی فرا خوانده است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ؛^۲ هر نیرویی در توان دارید، برای مقابله با آنها (دشمنان)، آماده سازید! و [همچنین] اسب‌های ورزیده [برای میدان نبرد]، تا با آن، دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید.» پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از تشکیل حکومت در مدینه، بیشتر لشکرکشی‌هایش برای نشان دادن قدرت و اقتدار مسلمانان به مشرکان بود. امروزه، دشمن به اقتدار نظامی ایران اعتراف دارد. پنتاگون در گزارش سالانه از پیشرفت‌های نظامی ایران می‌گوید: «ایران به قدری پیشرفت کرده که می‌تواند اهدافی را در سراسر منطقه و در شرق اروپا هدف قرار بدهد. ایران علاوه بر فناوری‌های موشکی و راکتی فزاینده‌اش، در تلاش است میزان کارایی سامانه‌های موجودش را تقویت کند... ایران حضورش را در آب‌های بین‌المللی افزایش می‌دهد. نیروی دریایی ایران، دورترین استقرار فرماندهی خود را در مارس ۲۰۱۳م انجام داد؛ به طوری که در آب‌های چین حضور یافت و برای اولین بار یک زیردریایی ایرانی در دسامبر ۲۰۱۳م به هند رفت. نیروی دریایی ایران می‌خواهد به آب‌های اقیانوس اطلس برسد.»^۳

1. <http://www.fardanews.com/fa>

۲. انفال، آیه ۶۰؛ ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۲۱.

3. <http://fa.alalam.ir/news/۱۴۳۳۴۶۰>

در ادامه گزارش پنتاگون آمده است: «ایران در تلاش است نیروی دفاع هوایی و نیروی هوایی خودش را مدرنیزه کند. هر سال، ایران سامانه‌های ساخت ایران را رونمایی می‌کند؛ از جمله این سامانه‌ها، می‌توان به سامانه‌های موشکی، رادارها و پهپادها اشاره کرد. ایران در سال ۲۰۱۳ نیز همین کار را انجام داد و سامانه‌های جدیدی به نمایش گذاشت. ایران، همچنان در تلاش است به سامانه‌های موشکی پیشرفته دوربرد زمین به هوا دست پیدا کند.»
همچنین، در این گزارش اذعان شده است: «ایران در حال ساخت موشک بالستیک ضد کشتی به نام «خلیج فارس» است. وسیله پرتاب فضایی سیمرخ ایران، نشان‌دهنده عزم این کشور برای توسعه فناوری‌های موشک‌های بالستیک قاره‌پیماست.»

۹. پیشرفت فرهنگی اجتماعی

تعالی فرهنگی جامعه و ایجاد روحیه بی‌نیازی در مردم یک کشور، به عزت آنان می‌انجامد. یکی از مهم‌ترین توصیه‌های معصومان علیهم‌السلام، داشتن روحیه عزتمندی و بی‌نیازی است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِيَامُهُ بِاللَّيْلِ وَعِزُّهُ إِسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ؛^۱ شرافت مؤمن، شب‌زنده‌داری اوست و عزتش، در بی‌نیازی از مردم است.» امام باقر علیه‌السلام نیز فرموده: «أَطْلُبُ بَقَاءَ الْعِزِّ بِإِمَاتَةِ الطَّمَعِ؛^۲ بقای عزت را با میراندن طمع بطلب.»^۳ یأس از مردم نیز راه عزت است. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «الْعِزُّ مَعَ الْيَأْسِ؛^۳ عزت، با یأس [از دیگران] ایجاد می‌شود.»

کشور اسلامی باید اصل در روابط بین‌المللی خود را بر اساس عزت و حکمت پایه‌ریزی کند. وجود روحیه بی‌نیازی در مردم و مسئولان، همراه با کار و تلاش، موجب عزت است.

دست طمع که پیش کسان می‌کنی دراز پل بسته‌ای که بگذری از آبروی خویش

۱۰. پشتوانه مردمی

مهم‌ترین عامل اقتدار کشور، حضور مردم در همه صحنه‌هاست. اگر مردم از دولتی که خود به وجود آورده‌اند، حمایت کنند، حاکمان زیر بار ذلت نمی‌روند. در طول این سال‌ها، هر بار که مردم در راهپیمایی‌ها و امور عمومی حضور چشمگیری داشته‌اند، سیاست خارجی ما موفقیت بیشتری داشته است؛ البته روشن است که حمایت مردم از حکومت، به موضوعات و مسائلی مانند: اجرای عدالت، قانونمندی، مساوات و رعایت حقوق متقابل مردم و حاکمان وابسته است. از مجموع مباحث ارائه‌شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که عملکرد مردم و مسئولان، نقش مهمی در عزت و اقتدار نظام اسلامی خواهد داشت. بایسته است که مسئولان با درایت و تدبیر و عملکرد درست در سیاست‌های داخلی و خارجی، راه را برای پیشرفت‌های کشور در همه صحنه‌ها هموار کرده، از سوء استفاده پرهیزند و مردم نیز با حضور در صحنه و یاری حاکمان، عزت و اقتدار را تداوم و استحکام بخشند.

۱. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۴۸.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۶۴.

۳. لیبی، عبون الحکم و المواعظ، ص ۱۷.